نانوشته‏ها

شهيد آيت‏اللَّه دكتر بهشتى‏

تهيه و تنظيم: سعيده غروى‏

تاريخ شهادت مى‏دهد كه انديشه‏هاى تابناك در طول حيات، همواره در هاله‏هاى غربت به سر مى‏برند و هنگامى تلألؤ نورشان عالم گير مى‏شود كه رخت از جهان بربسته‏اند و به نور پيوسته‏اند، نوشتار حاضر نگاهى است به مردى از اين قبيله.

تولد

صبحى دلكش همراه با نسيم صبا و ترنّم ژاله‏ها بر رخسار گل‏هاى محمّدى و صداى دل‏انگيز پرندگان، آغاز شده بود. زاينده رود زمزمه كنان پيش مى‏رفت و باد ملايمى كه از ميان شهر مى‏گذشت، مژده تولد او را به همراه داشت.

دوم آبان 1307 ه . ش، در لومبان اصفهان، در خانه‏اى معطّر به آيات الهى، كودكى چشم به جهان گشود كه نام مبارك «محمد» زينت بخش او گرديد.

پدرش از روحانيون اصفهان بود و به خدمت به مردم مشغول، و مادرش بانويى مقدس و پرهيزكار كه در مكتب پدر بزرگوارش، آيت‏اللَّه حاج مير محمد صادق خاتون آبادى، پرورش يافته بود.

محمد از كودكى سرآمد همسالان خود بود. اخلاق نيك و ادب و احترام او حكايت از شخصيت وجودى‏اش مى‏كرد. تحصيلات را از چهارسالگى آغاز كرد و خيلى سريع علوم بر جان تشنه‏اش نشست، تا حدّى كه براى ورود به دبستان، در امتحان ورودى، امتياز كلاس ششم را به دست آورد. در چهارده سالگى تحصيلات دبيرستان را نيمه تمام رها كرده و شوق و ذوق ورود به حوزه و استفاده از فضاى معنوى مسير زندگى‏اش را عوض كرد.

وى چهار سال در حوزه علميه اصفهان به تحصيل علوم پرداخت و براى تكميل تحصيلات عالى به شهر مقدس قم عزيمت نمود تا در جوار پر بركت بانوى كرامت، حضرت فاطمه معصومه‏عليها السلام، در محضر استادان گرانقدر آن روز، كسب فيض نمايد.

تشنگى او توصيف ناپذير بود. اين بار تصميم گرفت در كنار دروس حوزه، دبيرستان را نيز به اتمام رساند و علم دين و علم روز را به هم آميزد. با اين تصميم، دبيرستان را به اتمام رساند و در سال 1327 گام به دانشكده منقول و معقول (الهيات امروزه) نهاد و در مقطع كارشناسى موفق به اخد مدرك ليسانس فلسفه گرديد.

در اين زمان در درس خارج فقه و اصول حوزه شركت جست و به دليل علاقه وافر به مباحث فلسفى و تعقّلى، در درس شفا و اسفار علامه طباطبايى حضور يافت. پس از پنج سال تحصيل و تدريس در حوزه، در سال 1335، بار ديگر قدم به دانشكده الهيات نهاد، وليكن اين بار براى تحصيل در دوره دكترى، و رساله دكتراى خود را با عنوان «مسائل ما بعد الطبيعه در قرآن» ارائه و موفق به اخذ دكترا در رشته فلسفه گرديد.

تأسيس مدرسه حقانى‏

در سال 1339، در انديشه سازمان دهى درست و دقيق حوزه افتاد. پس با همفكرى دوستانش به اين نتيجه رسيد كه حوزه نيازمند تحولى اساسى توأم با برنامه ريزى اصولى است تا طلاب با برنامه‏ريزى منظم و مدوّن براى آينده جامعه تربيت شوند. بدين منظور با همكارى شهيد قدوسى(ره) اقدام به تشكيل مدرسه حقانى نمود. و نيز براى پيوند دانش‏آموز و دانشجوى مكتبى دبيرستان دين و دانش را تأسيس نمود.

وى در سال 1344، به آلمان سفر كرد تا به تكميل مسجد هامبورگ پرداخته و اداره امور مسلمانان و دانشجويان مسلمان مقيم را عهده دار گردد. ايشان با تشكيل اتحاديه انجمن‏هاى اسلامى دانشجويان فارسى زبان، پايگاهى مهم براى جذب انديشه‏ها و هدايت آنان به وجود آورد.

پيروزى انقلاب اسلامى‏

در آستانه پيروزى انقلاب اسلامى، امام خمينى در پاريس طرح‏هاى حكومت اسلامى را بر اساس موازين اسلام و قرآن پايه‏ريزى كردند و بدين منظور شوراى انقلاب را تشكيل دادند. آيت‏اللَّه بهشتى پس از مدتى به عنوان دبير شورا انتخاب گرديد. اين شورا در آن روزگار منشأ خدمات فراوانى به اسلام و انقلاب گرديد.

تأسيس حزب جمهورى‏

در آن روزهاى حساس انقلاب، با آن همه انديشه‏ها و احزاب سياسى، وجود يك تشكل اسلامى پيرو راه امام براى پاسدارى از ارزشهاى معنوى ضرورى مى‏نمود. در آن زمان دكتر بهشتى كه شعار نظم و برنامه‏ريزى را در عمل نمودار كرده بود، با صلاحديد حضرت امام (ره)) در فروردين 1358، حزب جمهورى اسلامى را تأسيس و تا هنگام شهادت در سمت دبير كل حزب جمهورى انجام وظيفه نمود.

تدوين قانون اساسى‏

پس از تشكيل مجلس خبرگان، دكتر بهشتى نائب رئيس مجلس خبرگان گرديد و بيشتر جلسات به رياست ايشان برگزار مى‏شد. اين مدير دلسوز با تلاش و هميارى ياران وفادار امام و انقلاب، قانون اساسى جمهورى اسلامى را تدوين كرد و يكى از اقدامات ارزنده ايشان، روشن كردن جايگاه ولايت فقيه در اين نظام مقدس بود.

در سنگر عدالت

پس از استقرار جمهورى اسلامى، حضرت امام در اسفند 1358، مسؤوليت ديوان عالى كشور را به آيت‏اللَّه بهشتى سپرد تا زمينه اجراى قوانين اسلام با درايت و نظم ايشان فراهم شده و عدل و داد در جامعه رواج يابد. ايشان نيز در طول مدت عهده‏دارى اين مسؤوليت خطير منشأ خير و خدمت گشت و امور قضايى كشور را سامان بخشيد.

خصوصيات بارز اخلاقى‏

نظم: زندگى او آميخته با نظم بود و موفقيت‏هاى چشمگير ايشان بيشتر در گرو نظم بود. ايشان نه تنها نظم را در زندگى روزمره خود به جريان انداخته بود كه سعى مى‏كرد تا به ديگران نيز اين رمز موفقيت را بياموزد. اطرافيان ايشان همواره از نظم خاص حاكم بر زندگى ايشان خاطراتى نقل مى‏كنند. يكى از نزديكان ايشان نقل مى‏كنند كه ايشان تا چند سال جلوتر از حياتشان را برنامه ريزى كرده بودند، چه رسد به برنامه روزانه. روزى با ايشان ساعت خاصى قرار داشتم. مشكلى پيش آمد، 5 دقيقه آخر وقت مورد نظر خدمتشان رسيدم. ايشان با گرمى تمام سلام و احوالپرسى نمودند ولى از پذيرفتن من عذر خواهى كردند و گفتند: ساعتى كه به اين كار اختصاص داده بودم، تمام شده و اينك برنامه ديگرى دارم. اين درس بزرگى در زندگى من بود و از آن پس به تأسى از استاد گرانقدر كارهاى خود را با برنامه ريزى و حساسيت خاص دنبال كردم و بركت فراوانى در اوقات خود يافتم. يكى ديگر از توصيه‏هاى بسيار عبرت‏آموز ايشان براى من اين بود كه به من سفارش مى‏كردند، براى غصه خوردنت نيز زمانى قرار بده؛ مثلاً يك ساعت از شبانه روزت را اختصاص بده به تفكر پيرامون تمامى مشكلات زندگيت، ولى وقتى آن زمان تمام شد، ديگر در هيچ ساعتى از شبانه روزت به مشكلات فكر نكن. چنين كردم و با حيرت فراوان دريافتم كه به غير از آن يك ساعت تمامى فكرم آزاد مى‏شود و بيش از پيش در كارهايم موفق شدم.

حق پذيرى: از ديگر صفات آن عالم صاحب انديشه حق‏پذيرى بود. وى هميشه حق را مى‏پذيرفت، حتى اگر به ضرر ايشان بود.

فروتنى: هر چه مقام و شخصيت ايشان بالاتر مى‏رفت، فروتنى و برخورد مؤدبانه و پر از احساس و عاطفه ايشان ممتازتر مى‏گرديد.

نماز اول وقت: از ديگر ويژگيهاى بارز ايشان نماز اول وقت بود، هيچ چيز نمى‏توانست ايشان را از نماز اول وقت باز دارد، كارها را هنگام نماز تعطيل مى‏كرد و مشتاقانه به سوى تكلم با يار مى‏شتافت.

آثار

آثارى كه از ايشان به جا مانده، عبارتند از:

1- خدا از ديدگاه قرآن‏

2- نماز چيست؟

3- شناخت‏

4- شناخت دين‏

5- نقش دين در زندگى انسان‏

6- كدام مسلك‏

7- روحانيت در اسلام و در ميان مسلمين‏

8- مبارزه پيروز

9- بانكدارى و قوانين مالى در اسلام‏

10- مالكيت‏

برخى ديگر از آثار ايشان هنوز چاپ نگرديده، ليكن شوراى احياى آثار شهيد بهشتى در تلاش است كه اين آثار را به زودى چاپ و در دسترس عموم قرار دهد.

پرواز

او چون هميشه با تبسمى بر لب، قبل از غروب به دفتر مركز حزب جمهورى آمد و در جلسه حزب شركت كرد. جلسه با قرائت روح نواز قرآن آغاز شد و سپس آواى قافله سالار شهداى هفت تير آغاز شد، و ناگهان تند باد نفاق (سازمان مجاهدين خلق) در دل شب وزيدن گرفت و آلاله‏هاى سرخ را پرپر كرد و خاكيان را در سوگ و افلاكيان را در سرور نشاند.

نام نيكش جاويد و جامه سرخ شهادت ارزنده وجودش.